

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صاحب عروة کتاب الصوم را در ۱۵ فصل تدوین کرده است که إن شاء الله از این به بعد بحثمان را از ابتدای کتاب الصوم و به همان ترتیبی که صاحب عروة مسائل را مطرح کرده اند ادامه می دهیم. کتاب الصوم: وهو الإمساك عما يأتي من المفطرات بقصد القرية: روزه یعنی امساک و خود داری از مفطراتی که بعداً خواهد آمد منتهی به شرط قصد قربت. روزه در بین متشرعه یک چیز معروف و مشهوری می باشد فلذا ما نباید خیلی در تعریف روزه وقت صرف کنیم چون این تعریفها تعریف حقیقی نمی باشند بلکه تصویری است از آن چیزی که در ذهن متشرعه می باشد و در خارج محقق است. در قاموس هم صوم را به امساک تفسیر کرده ولی در شرایع گفته وهو الكف عن المفطرات یعنی کف از مفطرات، در اینجا می توان گفت که امساک یک معنی عدمی دارد ولی کف یک معنی وجودی دارد، کف یعنی اینکه انسان به یک چیزی میل پیدا کند و بعد جلوی میل خودش را بگیرد و کف نفس بکند، خلاصه هر چه که باشد چه کف و چه امساک اشاره است به آن چیزی که در بین متشرعه معمول است و در ذهن آنها روشن و مشخص است فلذا مثلاً کلمه یوم را ندارد در حالی که امساک باید در یوم باشد تا معنی روزه محقق شود. صاحب عروة ابتدا اقسام صوم را ذکر کرده و فرموده: وينقسم إلى الواجب والمندوب و الحرام و المكروه بمعنى قلة الثواب وبعد روزه واجب را ایشان به هشت مورد تقسیم کرده اند، والواجب منه ثمانية: صوم شهر رمضان، وصوم القضاء وصوم الكفارة على كثرتها، وصوم بدل الهدى في الحج: هدى یعنی قربانی کردن خداوند متعال در قرآن کریم درباره صوم بدل از هدی در آیه ۱۹۶ از سوره بقره فرموده: فمن تمتع بالعمرة إلى الحج فما استيسر من الهدى فمن لم يجد فصيام ثلاثة أيام في الحج وسبعة إذا رجعتم تلك عشرة كاملة: هر کس با

ختم عمره حج تمتع را آغاز کند، آنچه از قربانی برای او میسر است باید ذبح کند و هر که نیافت، سه روز در ایام حج و هفت روز هنگامی که باز می گردد روزه بدارد که کلاً می شود ده روز کامل. بنابراین یکی از روزه های واجب برای کسی می باشد که در حج قربانی پیدا نکرده که در این صورت واجب است که ۱۰ روز بدل از قربانی روزه بگیرد. وصوم النذر والعهد واليمين وصوم الإجارة: که اینها مشخص هستند. ونحوها كالمشروط في ضمن العقد: مثلاً کسی کتابی را به شما می فروشد و در ضمن عقد بیع شرط می کند که ۲ روز هم باید روزه بگیرد، که شرطش درست است و طبق آیه المؤمنون عند شروط هم روزه آن دو روز بر شما واجب است. و صوم الثالث من أيام الإعتكاف: کسی که معتکف می شود روزه روز اول و دوم برایش استحباب دارد ولی روزه روز سوم برایش واجب می باشد. وصوم الولد الأكبر عن أحد ابويه: روزه پدر و مادر که در زمان حیاتشان از آنها فوت شده قضایش بر پسر بزرگتر واجب است علی تفصیل یأتی فی محله من جمله اینکه مثلاً پدر و مادر عամداً و طفیاناً روزه خواری نکرده باشند که در این صورت بر ولد اکبر واجب نیست بلکه مثلاً به دلیل تبلی و غفلت روزه نگرفته اند. صاحب عروة صوم واجب را ۸ تا شمرده ولی علامه در تذکره ۶ تا شمرده که این حصرها اجتهادی و اعتباری هستند که بستگی به اجتهاد هر شخص دارد مثلاً در اینجا صاحب عروة صوم ولد اکبر را واجب دانسته ولی علامه در تذکره آن را جزء صومهای واجب نشمرده. صاحب جواهر در ابتدای کتاب الصوم در جواهر درباره صوم فرموده اند: هو الذی من أشرف الطاعات وأفضل القربات وبعد هفت مطلب درباره خاصیت صوم ذکر کرده اند من جمله اینکه: و لو لم یکن فیہ إلا الارتقاء من حطیط النفس البهیمیة إلى ذروة الشبه بالملائكة: که نفس بهیمیة آن نفسی است که به خوردن و آشامیدن و آمیزش و امثال اینها میل دارد، فلذا شارع مقدس خواسته که نفس انسان را از آن خواسته های بهیمیة ترقی بدهد که تشبه به ملائکه پیدا کند چون ملائکه خورد و خوراک ندارند و در یک افق بالاتری مشغول عبادت پروردگار هستند. صاحب جواهر بعد از ذکر مطالب

أوجب الله تبارك وتعالى له سبع خصال: أولها يذوب الحرام في جسده، والثانية يقرب من رحمة الله عزوجل، والثالثة يكون قد كفر خطيئة آدم أبيه، والرابعة يهون الله عليه سكرات الموت، والخامسة أمان من الجوع والعطش يوم القيامة، والسادسة يعطيه الله برآءة من النار، والسابعة يطعمه الله من طيبات الجنة، قال صدقت يا محمد.

خوب صاحب عروة بعد از اینکه روزه را معنی کرده چند مطلب ذکر کرده من جمله اینکه: و وجوبه فی شهر رمضان من ضروریات الدین ومنکره مرتد یجب قتله، ومن أفطر فيه لا مستحلاً عالماً عامداً يعزر بخمسة وعشرين سوطاً: درباره تعزیر روزه خوار بحث بسیار است، اولاً اکثر محشین عروة من جمله امام رضوان الله علیه در اینجا گفته اند که این روایت اختصاص به جماع دارد نه مطلق مفطرات ولی خود صاحب عروة قائل به این است که روایت مربوط به مطلق مفطرات می باشد و ثانیاً سند روایت را ضعیف می دانند. قاعد اقتضاء بر این مطلب دارد که اگر کسی مرتکب گناه شد حاکم شرع هر چقدر که صلاح بداند آن شخص را تعزیر می کند و اصلاً فرق بین حد و تعزیر همین است چرا که حد مقدار و اندازه اش به طور مشخص و معین ذکر شد اما تعزیر مطابق مصلحت حاکم می باشد. مدرک صاحب عروة یک روایتی است که در وسائل ذکر شده که إن شاء الله فردا درباره آن بحث می کنیم.

والحمد لله رب العالمين اولاً و آخراً وصلى الله على

محمد وآله الطاهرين

هفتگانه آخباری که درباره فضیلت روزه هستند ذکر کرده من جمله این روایت که: الصوم لی وأنا أجزی به: خداوند متعال فرموده است که روزه برای من است و خودم پاداشش را می دهم، البته پاداش همه عبادت ها را پروردگار متعال می دهد منتهی در اینجا که صوم را به طور خاص ذکر کرده برای این است که صوم با یک امر قلبی ارتباط دارد یعنی بیشتر امر صوم مرتبط با باطن و نیت شخص می باشد و هیچ عبادتی مانند صوم ارتباط با امر قلبی ندارد مثلاً ممکن است انسان نماز بخواند و حج بجا بیاورد و زکات بدهد ولی تمام آنها همراه با ریا و برای غیر خدا باشد. مطالب و روایاتی که صاحب جواهر فضیلت و عظمت صوم را ذکر کرده تماماً در کتاب وسائل الشیعه باب اول از ابواب صوم مندوب ص ۲۸۹ از جلد ۷ و سائل ۲۰ جلدی ذکر شده که حدوداً ۴۳ خبر صاحب وسائل در این باب درباره فضیلت و عظمت روزه ذکر کرده. بنده یک خبر در رابطه با همین مسئله از وسائل برایتان می خوانم که صاحب جواهر هم آن را در جواهر ذکر کرده و آن خبر چهارم از باب اول از ابواب احکام شهر رمضان می باشد که در ص ۱۷۲ از جلد ۷ و سائل ۲۰ جلدی ذکر شده، خبر این است: وباسناده: شیخ صدوق عن الحسن بن علی بن أبی طالب علیهما السلام أنه قال: جاء نفر من اليهود إلى رسول الله (صلى الله عليه وآله) فسأله أعلمهم عن مسائل، فكان فيما سأله أنه قال له: لأى شيء فرض الله الصوم على امتك بالنيابة ثلاثين يوماً، و فرض الله على الاله من ذلك؟ فقال النبي (صلى الله عليه وآله): إن آدم لما أكل من الشجرة بقي في بطنه ثلاثين يوماً ففرض الله على ذريته ثلاثين يوماً الجوع والعطش، والذي يأكلونه بالليل تفضل من الله عليهم، وكذلك كان على آدم، ففرض الله ذلك على امتي، ثم تلا هذه الآية: «كتب عليكم الصيام كما كتب على الذين من قبلكم لعلكم تتقون أياماً معدودات» قال اليهودي: صدقت يا محمد فما جزاء من صامها؟ قال: فقال النبي (صلى الله عليه وآله): ما من مؤمن يصوم شهر رمضان احتساباً إلا